

مُنَادِیَانِ اَمّت

هفته نامه منادیان امت | شماره سی و یک | خرداد ماه ۱۴۰۵



مثل نبی عاشق علی



روح الله؛ از آغاز یک مسیر



هزینه سازش با شیطان



سرآغاز فصل نوین قدرت‌گیری ایران و انقلاب اسلامی

فرزندان غیور خمینی کبیر و خامنه‌ای عزیز شهید و پیروان اسلام ناب محمدی (صلی‌الله علیه و آله و سلم) با اهتمام و شجاعتی مثال‌زدنی در میدانها و خیابانها و سنگرهای رزم حاضر هستند و علی‌رغم لطمات و خسارتهای هجوم وحشیانه دشمن، جنگ تحمیلی سوم را به صحنه حماسه دفاع مقدس سوم تبدیل کرده‌اند...
جهالت و نادانی مستکبران باعث شد که اسفند ۱۴۰۴ سرآغاز فصل نوین از قدرت‌گیری و برآمدن نام ایران و انقلاب اسلامی گردد، و پرچم ایران اسلامی نه فقط در جغرافیای خاکی کشورمان بلکه در عمق دل‌های حق‌جویان جهان برافراشته شود

حضرت آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای (دام‌ظله) ۲۰ فروردین ۱۴۰۵

رحلت امام خمینی (ره)

به مناسبت سالروز
رحلت امام امت



می‌توان گفت مهم‌ترین پیامی که رهبر کبیر انقلاب به جهان رساند، چیزی جز خدامحوری و رهایی از سلطه استکبار جهانی نبود؛ آوازی جانبخش که بر دل آزاداندیشان و مجاهدان دردمند نشست و اندیشه‌ها را معطوف به خود ساخت. این نگاه توحیدیِ ضد استکباری، نقشی تعیین‌کننده در تمام ابعاد زندگی امام خمینی داشت و امروز نیز میراث ماندگار ایشان برای نسل‌های آینده است.

زندگی‌نامه امام خمینی؛ تولد تا رحلت

امام خمینی در روز بیستم جمادی‌الثانی سال ۱۳۲۰ هجری قمری (مطابق با اول مهر ۱۲۸۱ هجری شمسی) در شهرستان خمین از توابع استان مرکزی دیده به جهان گشود. نام ایشان را «سید روح‌الله مصطفوی» نهادند. هنوز پنج ماه از تولدش نگذشته بود که پدرش آیت‌الله سید مصطفی موسوی در مسیر خمین به اراک در ۴۷ سالگی به دست اشرار به شهادت رسید. مادر بزرگوارشان نیز در کودکی ایشان از دنیا رفت و از آن پس، دایه ای وفادار به نام «سکینه» و برادر بزرگترشان «سید مرتضی» پرستاری و تربیت او را بر عهده گرفتند.

دوران کودکی و آشنایی با مبارزه با خوانین



پدر امام خمینی از منتقدان سرسخت خوانین و مأموران ظالم دولتی بود و همین روحیه ستم‌ستیز، به‌عنوان میراثی ارزشمند در نهاد فرزندش ریشه دوانید. این پیشینه خانوادگی، زمینه‌ساز شکل‌گیری شخصیتی شد که یک عمر در برابر استکبار و ظلم ایستادگی کرد. امام خمینی از همان نوجوانی، مبارزه و جهاد را با بینش اعتقادی عمیق شروع کرد و سیر تکاملی آن در موازات رشد روحی و علمی ایشان پیش رفت.

امام راحل در یکی از سخنرانی‌های خود فرمود: "چه کسی را می‌ترسانید من از بجگی در جنگ بزرگ شدم تا حالا نگفتم."

آغاز تحصیلات حوزوی و هجرت به حوزه‌های علمیه



امام خمینی تحصیلات حوزوی خود را در زادگاهش خمین آغاز کرد و برای تکمیل آن، ابتدا در نوزده سالگی راهی اراک شد. ایشان در اراک، در مدرسه معروف «سپهدار» (از قدیمی‌ترین مراکز علوم دینی) به تحصیل پرداخت. اما نقطه عطف زندگی علمی ایشان، هجرت به قم در سال ۱۳۰۱ هجری شمسی بود. حوزه علمیه قم که در عهد خفقان رضا خانی به دست آیت‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری یزدی باز تاسیس شده بود، به سرعت مرکز ثقل علمی و سیاسی تشیع شد و امام خمینی در این فضا، دوشادوش دیگر طلاب به تحصیل علوم دینی پرداخت.

اساتید برجسته امام خمینی

امام خمینی در محضر استادان بزرگی دانش آموخت که هر یک در شکل‌گیری شخصیت علمی، عرفانی و سیاسی ایشان نقشی بی‌بدیل داشتند. در دوران مقدمات در خمین و اراک، از محضر میرزا محمد مهدی نجفی و سید مرتضی پسن‌دیده بهره‌برد. پس از هجرت به قم، ایشان در درس‌های فلسفه و عرفان اساتیدی چون «علی‌اکبر حکمی یزدی» و «سیدابوالحسن رفیعی قزوینی»



حضور یافت اما مهم‌ترین استادان ایشان عبارتند از: آیت‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری یزدی (مؤسس حوزه علمیه قم): امام خمینی مقدمات و بخش مهمی از دروس سطح را نزد ایشان آموخت. حائری به سرعت نبوغ علمی امام را تشخیص داد و به او احترام ویژه‌ای می‌گذاشت.

آیت‌الله العظمی سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای: امام خمینی سال‌ها در درس فقه و اصول ایشان حاضر شد و از محضر این فقیه بزرگ بهره‌برد.

آیت‌الله العظمی سید حسین طباطبایی بروجردی: امام خمینی در دوره زعامت ایشان بر حوزه قم، از مشاوران نزدیک و مورد اعتمادشان به شمار می‌رفت. تعبیر معروف امام درباره درس آیت‌الله بروجردی این است که «درس ایشان جوری است که طلبه‌ها را مجتهد می‌کند».

آیت‌الله میرزا محمدعلی شاه‌آبادی: بزرگ‌ترین استاد عرفان امام خمینی بود. ایشان با تدریس متون عرفانی و فلسفی، عمق روحی و عرفانی امام را شکوفا کرد و تأثیر عمیق او در آثار عرفانی امام، همچون «شرح چهل حدیث» و «مصابح الهدایه» به وضوح دیده می‌شود.



اندیشه توحیدی و عرفان اسلامی در آثار امام

توحید، هسته مرکزی تمام اندیشه و عمل امام خمینی را تشکیل می‌دهد. ایشان که خود در سلوک عرفانی به مقامات بالایی رسیده بود، توحید را نه یک مفهوم ذهنی، بلکه حقیقتی می‌دانست که باید در تمام ابعاد زندگی جاری شود. در آثار متعدد ایشان، اسلام به عنوان دینی معرفی می‌شود که هدفش برگرداندن تمام محسوسات و تمام عالم به مرتبه توحید است.

از جمله مهم‌ترین آثار عرفانی و اخلاقی امام خمینی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

شرح چهل حدیث (اربعین حدیث): این کتاب که در سال ۱۳۱۷ شمسی به پایان رسیده، اثری اخلاقی، عرفانی و اعتقادی به زبان فارسی است. امام در این کتاب، چهل حدیث معتبر را برگزیده و آن‌ها را با رویکردی عرفانی و توحیدی شرح کرده و پیوندی ناگسستنی میان فقهت، سیاست و عرفان برقرار ساخته است.

مصباح الهدایه الی الخلافه و الولایه: از مهم‌ترین آثار عرفانی امام که در آن به تبیین حقایق عرفانی و توحیدی در باب خلافت و ولایت پرداخته شده است.

سرالصلوة: اثری عمیق در اسرار و معانی نماز که رابطه عارفانه عبد با معبود را به تصویر می‌کشد.

تفسیر سوره حمد: نمونه‌ای از تفسیر عرفانی قرآن به قلم امام خمینی.

آغاز مبارزه با رژیم پهلوی

امام خمینی با اعتقاد راسخ به پیوند دین و سیاست، مبارزات سیاسی خود را از سال ۱۳۴۱ هجری شمسی به طور جدی آغاز کرد. برخلاف برخی نگاه‌ها که فعالیت سیاسی را از شئون روحانیت نمی‌دانستند، امام خمینی با استناد به مبانی توحیدی و لزوم امر به معروف و نهی از منکر، ورود در عرصه سیاست را برای حفظ اصول اسلام واجب می‌شمرد.

مبارزات ایشان در این سال‌ها را می‌توان به چند مرحله تقسیم کرد:

۱. لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی (۱۳۴۱): نخستین جرقه قیام، با ارائه لایحه‌ای بود که شرایط غیراسلامی برای انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان در نظر گرفته بود. امام با بیانیه‌های کوبنده خود، این لایحه را محکوم و رژیم را به عقب‌نشینی وادار کرد.

۲. قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲: رژیم با صدور اعلامیه محکم امام در اعتراض به همه‌پرسی انقلاب سفید و دادن امتیاز کاپیتولاسیون به مستشاران نظامی آمریکا، ایشان را در بامداد ۱۵ خرداد دستگیر کرد. این دستگیری، موج عظیم اعتراضات مردمی را در سراسر ایران برانگیخت. این قیام خونین، نقطه عطفی در تاریخ مبارزات مردم ایران به شمار می‌رود و انقلاب اسلامی را کلید زد.

دوران تبعید؛ از ترکیه تا نجف

پس از آزادی از زندان به دنبال قیام ۱۵ خرداد، رژیم پهلوی امام خمینی را ابتدا به ترکیه تبعید کرد و سپس به دلیل فعالیت‌های سیاسی ایشان، به عراق منتقل نمود. امام خمینی در تبعید به عنوان نماد مبارزه با استکبار ساخته شد.

اقامت در ترکیه: دوره کوتاه اقامت در ترکیه، فرصتی بود برای بازسازی و تجدید قوا.

حیات علمی و سیاسی در نجف: دوران تبعید در نجف، درخشان‌ترین دوره علمی امام خمینی و اوج تکامل اندیشه سیاسی ایشان بود. در همین سال‌ها بود که امام خمینی نظریه ولایت فقیه را در مجموعه درس‌ها و سخنرانی‌های خود به طور کامل تبیین کرد. ایشان ولایت فقیه را به معنای زمامداری و اداره کشور توسط فقیه جامع‌الشرایط می‌دانست و این نظریه را به عنوان نظام سیاسی جایگزین سلطنت طاغوتی مطرح ساخت. همچنین نامه معروف ایشان به آیت‌الله خامنه‌ای در تعیین حدود اختیارات حکومت اسلامی، در همین دوره نوشته شد.

تداوم مبارزه و پیروزی انقلاب اسلامی

با اوج‌گیری اعتراضات مردمی در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷، رهبری امام خمینی از نجف، نقطه اتکای تمام قوا و امید ملت بود. هر چند رژیم پهلوی با تلاشی مذبح‌خانه، امام را از نجف به پاریس (نوفل‌لوشاتو) تبعید کرد، اما امواج پیام‌های انقلابی ایشان از طریق رسانه‌های جمعی، ابعاد جهانی یافت.

سرانجام در روزهای پایانی بهمن ۱۳۵۷، سیل جمعیت سراسر کشور را فرا گرفت و در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی به پیروزی رسید. امام خمینی سپس با رأی قاطع مردم در همه‌پرسی ۱۲ فروردین ۱۳۵۸، نظام جمهوری اسلامی را بنیان نهاد و خود به عنوان رهبر و ولایت فقیه، زمام امور کشور را بر اساس قانون اساسی بر عهده گرفت.

نظریه سیاسی محوری: استکبارستیزی



استکبارستیزی و مبارزه با ظلم، از اصول بنیادین اندیشه سیاسی امام خمینی بود که از قرآن کریم ریشه می‌گرفت. ایشان هرگونه تلاش برای نزدیکی و سازش با استکبار را مردود و آن را خیانت به ملت می‌دانستند و با صراحت می‌فرمودند: «کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهان‌خواران را نمی‌دانیم، ولی هیئات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند! اگر بنبند استخوان‌هایمان را جدا سازند، هرگز امان‌نامه کفر و شرک را امضا نمی‌کنیم». این روحیه سازش‌ناپذیر ایشان، باعث شد که نظام جمهوری اسلامی به عنوان پرچمدار مبارزه با استکبار جهانی و ایستادگی در برابر قدرت‌های سلطه‌جو شناخته شود. امام خمینی برای مبارزه با بزرگ‌ترین نماد استکبار یعنی صهیونیسم و دفاع از مسجدالاقصی و حقوق مردم فلسطین، آخرین جمعه ماه رمضان را به عنوان «روز جهانی قدس» نامگذاری کرد و آن را یادگار همیشگی خود در تاریخ جهان اسلام قرار داد.

رحلت و وصیت‌نامه سیاسی الهی

امام خمینی سرانجام در ۱۳ خرداد سال ۱۳۶۸ هجری شمسی، بر اثر عارضه قلبی در سن ۸۷ سالگی دعوت حق را لبیک گفت و رحلت کرد. خبر رحلت ایشان، موجی از اندوه عمیق و بی‌سابقه را در میان ملت ایران و آزادیخواهان جهان ایجاد کرد. مهم‌ترین سند برجای مانده از ایشان، وصیت‌نامه سیاسی الهی ایشان است. این وصیت‌نامه که آن را «پیام جاوید» نامیده‌اند، در حقیقت خلاصه همه وصایا و آموزه‌های ایشان برای امت است. در این سند، ایشان بر حفظ نظام جمهوری اسلامی، تداوم انقلاب، هوشیاری در برابر توطئه‌های استکبار، وحدت کلمه و اطاعت از رهبری و ولایت فقیه تأکید کرده‌اند. وصیت‌نامه سیاسی الهی امام خمینی، به عنوان دستورالعملی جامع برای تداوم راه پربرکت انقلاب اسلامی به یادگار ماند.

زندگی نامه امام خمینی، روایت تحقق عینی توحید و استکبارستیزی در متن تاریخ معاصر است؛ مسیری که از پنج ماهگی با شهادت پدر در خمین آغاز شد و در نجف و پاریس به اوج خود رسید. بررسی این مسیر، بهترین راه برای شناخت نهضتی است که جهان را دگرگون ساخت و الهام‌بخش نسل‌های بعدی برای مبارزه با هرگونه ظلم و سلطه خواهد بود.

نگاه تمدنی امام خمینی (ره) در اندیشه امام خامنه‌ای (ره)



در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای، امام خمینی (ره) نه تنها بنیانگذار یک نظام سیاسی، بلکه معمار یک «تمدن نوین اسلامی» است. به عبارتی، انقلاب اسلامی صرفاً یک تغییر حکومت نبود، بلکه مقدمه‌ای برای آغاز یک حرکت عظیم تمدن‌ساز در جهان اسلام بود. رهبر معظم انقلاب بارها بر این نکته تأکید کرده‌اند که نگاه امام راحل عمیق‌تر و فراتر از اداره یک کشور بوده و ایشان به دنبال «احیای امت اسلامی» و «بیداری تمدنی» مسلمانان بوده‌اند.

سلطه‌های بیرونی، دو بال پرواز جامعه به سوی تمدن اسلامی هستند.

۵. مردم‌باوری؛ سرمایه اجتماعی تمدن‌ساز

امام خمینی (ره) به مردم میدان می‌داد و به آنها اعتماد کامل داشت. این ویژگی که از ایمان ایشان به «حکومت مردمی» سرچشمه می‌گرفت، رمز اصلی پیروزی انقلاب و تداوم آن پس از جنگ تحمیلی بود. در نگاه تمدنی رهبری، «مردم‌باوری» یعنی باور به توانایی داخلی برای ساختن تمدن و حضور مردم در عرصه‌های مختلف سازندگی. تمدن اسلامی، برخلاف تمدن‌های نخبه‌گرای غربی، تمدنی «مردمی» و «توده‌پایه» است.

۶. جهاد و شهادت؛ روح تمدن‌آفرین

روحیه جهاد و شهادت‌طلبی برای حفظ ارزش‌های الهی، از بارزترین ویژگی‌های مکتب امام (ره) بود. ایشان جهاد را نه فقط یک وظیفه دفاعی، بلکه یک فرهنگ و راهکار اساسی برای مبارزه با استکبار و ظلم معرفی می‌کردند. از منظر رهبر شهید انقلاب، فرهنگ «جهاد و شهادت» موتور محرکه تمدن اسلامی در برابر هجمه‌های تمدن غرب است. این روحیه، رمز ماندگاری و قدرت نرم یک تمدن در طول تاریخ بوده است.

۷. اخلاق و اخلاق‌مداری؛ حافظ تمدن در برابر زوال

در کنار سیاست و مبارزه، اخلاق برای امام (ره) از جایگاهی رفیع برخوردار بود. ایشان همواره به رعایت اخلاق اسلامی در رفتار فردی و اجتماعی، حتی در برابر دشمنان، سفارش می‌کردند. رهبر شهید انقلاب نیز اخلاق‌مداری را یک اصل جدایی‌ناپذیر در فرآیند تمدن‌سازی معرفی کرده‌اند؛ چراکه بدون اخلاق، قدرت و پیشرفت به فساد و نابودی منجر خواهد شد. اخلاق اسلامی است که به تمدن، جهت الهی و عدالت‌محور می‌بخشد.

۸. عزت و نفی هرگونه سلطه‌پذیری (استکبارستیزی)؛

عصاره هشت شاخصه

«عزت‌مندی و نفی سلطه‌پذیری» (استکبارستیزی) نقطه پایانی و در واقع عصاره این هشت شاخصه تمدنی است. امام خمینی (ره) سر تعظیم فرود آوردن در برابر قدرت‌های زورگو را رد می‌کرد و شعار «نه شرقی، نه غربی» را سرلوحه سیاست خارجی خود قرار دادند. این شاخصه، خط‌کشی تمدنی اسلام در برابر نظام سلطه است. رهبر شهید انقلاب با تداوم این نگاه، استکبارستیزی را نه یک شعار سیاسی، بلکه زیربنای هویت یک تمدن مستقل و عزتمند می‌دانند.

و اندیشه ایشان پرداختند که در قالب هشت محور کلیدی قابل بررسی است. در ادامه، این هشت شاخصه را با رویکردی تمدنی تحلیل می‌کنیم.

۱. توحید (خدا محوری)؛ سنگ بنای تمدن‌سازی

تمدن مطلوب از منظر امام خمینی (ره)، تمدنی مبتنی بر «لا اله الا الله» و توحید ناب محمدی (ص) است. معنویت و عرفان اصیل اسلامی در اندیشه امام ریشه در همین نگاه داشت. برخلاف تمدن مادی غرب که انسان و خواسته‌های او را محور قرار می‌دهد، نگاه تمدنی امام بر محوریت خداوند و عبودیت استوار بود. به تعبیر رهبر شهید انقلاب، این توحید بود که به امام قدرت ایستادگی در برابر همه قدرت‌های مادی را بخشید و مسیر تمدن‌سازی را از قید سلطه‌های بشری آزاد کرد.

۲. حکمت (عقلانیت و خردورزی)؛ موتور محرک پیشرفت

امام خمینی (ره) علاوه بر عرفان و معنویت، به «عقلانیت و برهان» نیز توجهی ویژه داشتند. این حکمت، ایشان را به فقهی جامع‌الشرایط تبدیل کرد که می‌توانست برای پیچیده‌ترین مسائل اجتماعی و سیاسی، پاسخ‌های منطقی و مبتنی بر عقل ارائه دهد. از نگاه رهبر شهید، این عقلانیت، تمدن اسلامی را از انفعال و تقلید صرف از غرب نجات می‌دهد و آن را به سوی «اجتهاد پویا» و «نوآوری تمدنی» سوق می‌دهد.

۳. عدالت؛ جوهره تمدن آرمانی

«عدالت‌خواهی» یکی از مهم‌ترین شعارهای نهضت امام (ره) بود. ایشان همواره بر لزوم رفع تبعیض‌ها، برپایی قسط و عدل در همه عرصه‌ها و مبارزه با هرگونه ظلم و بی‌عدالتی، چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی، تأکید می‌کردند. در اندیشه رهبری، عدالت، شرط تحقق یک تمدن پایدار و مقوم هویت اسلامی آن است؛ تمدنی که در آن حقوق همه انسان‌ها (به‌ویژه مستضعفان) رعایت شود و از اشرافی‌گری و تبعیض طبقاتی خبری نباشد.

۴. استقلال و آزادی؛ استوانه‌های عزت‌مندی

امام خمینی (ره) استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را شرط اساسی هرگونه تعالی می‌دانستند. ایشان آزادیِ توأم با مسئولیت و در چارچوب شرع را از اهداف اصلی انقلاب برمی‌شمردند. رهبر شهید انقلاب حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (ره) نیز همواره بر این دو مقوله به عنوان شاخص‌های جدایی‌ناپذیر از تمدن اسلامی تأکید داشته‌اند. استقلال به معنای «نه شرقی، نه غربی» و آزادی به معنای رهایی از بندهای نفسانی و

از نگاه امام شهید حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (ره)، این هشت شاخصه، نقشه راه ساختن تمدن نوین اسلامی است؛ تمدنی که ریشه در توحید دارد، عقلانیت آن را پیش می‌برد، عدالت غایت آن است، استقلال و آزادی ستون‌های آن هستند، مردم رکن اصلی آن به شمار می‌روند، جهاد و شهادت روح آن را حفظ می‌کند، اخلاق سقف آن است و عزت و استکبارستیزی حصار مستحکم آن در برابر بیگانگان است.

در واقع، رهبر شهید انقلاب با تبیین این هشت شاخصه، بر این نکته تأکید داشتند که تمدن بزرگ اسلامی بدون پیروی از مکتب امام خمینی (ره) و با تکیه بر این شاخصه‌ها محقق نخواهد شد. این نگاه، میراث گرانبهایی است که باید توسط نسل‌های آینده شناخته شده و برای تحقق تمدن نوین اسلامی مورد استفاده قرار گیرد.

فضایل امیرالمؤمنین امام علی(ع)



۱. فضیلت علمی

در منابع اهل سنت، امام علی(ع) به عنوان دریچه‌ای به سوی علم نبوی معرفی شده است. مشهورترین حدیث در این زمینه، حدیث «أنا مدينة العلم و علی بابها» است:

«أنا مدينة العلم و علی بابها، فمن أراد المدينة فليأت الباب»

(من شهر علمم و علی دروازه آن است؛ هر که خواهد به شهر درآید، باید از دروازه درآید).

این حدیث را حاکم نیشابوری در المستدرک (ج ۳، ص ۱۲۶) با سند صحیح روایت کرده و ذهبی در تلخیص المستدرک نیز آن را صحیح دانسته است. افزون بر این، خطیب بغدادی در تاریخ بغداد و ابن حجر عسقلانی در لسان المیزان به طرق متعدد این حدیث اشاره کرده‌اند.

همچنین در کتاب المستدرک حاکم، روایت شده که پیامبر(ص) فرمود:

الحدیث: «عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ، يَدُورُ مَعَهُ حَيْثُمَا دَارَ»

(علی با حق است و حق با علی است، هر جا که علی بگردد حق با او می‌گردد).

امام علی بن ابی طالب(ع)، پسرعمو و داماد پیامبر اکرم(ص)، در تاریخ اسلام چهره‌ای است که فضایل و کمالاتش نه تنها در میان مسلمانان، بلکه در میان پیروان دیگر ادیان توحیدی نیز مورد ستایش قرار گرفته است. آنچه در این نوشتار می‌آید، گوشه‌ای از فضایل علمی، شجاعت، سخاوت و دیگر کمالات آن حضرت است که در منابع معتبر اهل سنت و نیز در کلمات نویسندگان و اندیشمندان غیر مسلمان نیز بازتاب یافته است. این پژوهش نشان می‌دهد که شخصیت امام علی(ع) فراتر از مرزهای مذهبی، الگویی از انسان کامل و عدالت‌گستر بوده است.

الف) فضایل امیرالمؤمنین(ع) در منابع اهل سنت

اهل سنت، امام علی(ع) را به عنوان چهارمین خلیفه راشد و یکی از بزرگ‌ترین صحابه پیامبر(ص) می‌شناسند و در صحاح سته خود روایات فراوانی درباره فضایل ایشان نقل کرده‌اند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین این فضایل اشاره می‌شود.

۲. فضیلت شجاعت

شجاعت امام علی (ع) از موضوعاتی است که در تمام منابع معتبر اسلامی به وفور به آن پرداخته شده است. در صحیح البخاری، حدیث معروف فتح خیبر با سند صحیح چنین نقل شده است:

(صحیح البخاری کتاب فضائل الصحابه): «لَأَعْطِيَنَّ الرَّايَةَ عَدَا رَجُلًا يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، يَفْتَحَ اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ» فَظَلَّ النَّاسُ يَضْرِبُونَ لَيْلَتَهُمْ أَيُّهُمْ يُعْطَاهَا، فَلَمَّا أَصْبَحَ النَّاسُ، عَدَّوْا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كُلُّهُمْ يَرْجُو أَنْ يُعْطَاهَا، فَقَالَ: أَيْنَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ؟ فَقِيلَ: يَشْتَكِي عَيْنَيْهِ، فَأَرْسَلُوا إِلَيْهِ فَأَتَى بِهِ، فَبَصَّقَ فِي عَيْنَيْهِ وَدَعَا لَهُ قَبْرًا حَتَّى كَانَ لَمْ يَكُنْ بِهِ وَجَعٌ، فَأَعْطَاهُ الرَّايَةَ.»

(سوگند به خدا که فردا پرچم را به دست مردی خواهم داد که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسولش نیز او را دوست دارند؛ خدا بر دستان او فتح را خواهد گشود. مردم شب را به گفتگو گذراندند که این پرچم به کدام یک از آنها داده می شود. چون صبح شد، همه نزد رسول خدا آمدند و هر یک امید داشت که به او داده شود. فرمود: علی بن ابی طالب کجاست؟ گفته شد: چشم هایش درد می کند. آن حضرت علی را طلبید، چون آمد، در چشم هایش آب دهان مبارک خود را انداخت و برای او دعا فرمود؛ پس چشم هایش چنان شفا یافت که گویا هیچ دردی نداشته است. سپس پرچم را به او داد.)

در ادامه همین حدیث آمده که رسول خدا (ص) به علی (ع) فرمود:

الحديث: «قَوْلَ اللَّهِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ بِكَ رَجُلًا وَاحِدًا خَيْرٌ لَكَ مِنْ حُمْرِ النَّعَمِ»

(به خدا سوگند اگر خداوند به دست تو یک نفر را هدایت کند، برای تو از شتران سرخ مو (که گران بها ترین دارایی عرب بود) بهتر است.)

همچنین در مورد شجاعت بی نظیر امام علی (ع) در لیلۃ المیت (شب هجرت پیامبر) آمده است که ایشان در فراش پیامبر (ص) خوابید تا جان خود را فدای رسول خدا کند. منابع اهل سنت این واقعه را از بزرگترین نشانه های شجاعت و فداکاری ایشان دانسته و آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» (سوره بقره، آیه ۲۰۷) را درباره ایشان نازل شده می دانند. در صحیح الترمذی و منابع دیگر، روایت شده که پیامبر (ص) در غزوه احد، علی (ع) را «أسد الله» و «کرار غیر فرار» (حمله برنده و نه گریزان) نامید.

۳. فضیلت سخاوت (جود و کرم)

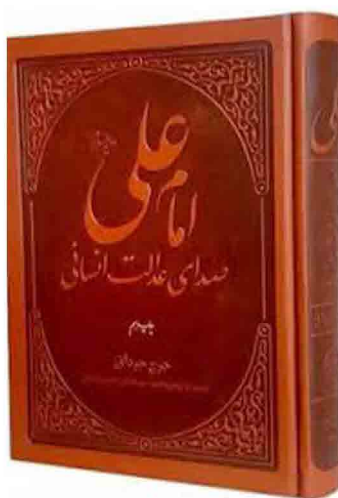
سخاوت و بخشندگی امام علی (ع) چنان بود که ضرب المثل «أَجُودُ مِنْ عَلِيٍّ» (بخشنده تر از علی) در میان مسلمانان رایج شد و حتی از حاتم طایی مشهورترین شخصیت سخاوتمند عصر جاهلیت نیز پیشی گرفت.

در منابع معتبر روایت شده که روزی در حالی که حضرت علی (ع) در رکوع نماز بود، سائلی (فقیری) وارد مسجد شد و درخواست کمک کرد؛ حضرت علی (ع) بدون اینکه از حالت رکوع و نیایش با خدای خود خارج شود، انگشتی که در دست داشت را به سوی سائل دراز کرد و آن انگشت را به او بخشید. به روایت منابع اهل سنت، آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (سوره مائده، آیه ۵۵) در شأن حضرت علی (ع) و این بخشش هنگام رکوع نازل شده است.

۴. سایر فضایل

علاوه بر علم، شجاعت و سخاوت، صفات دیگری چون زهد و پارسایی (در زندگی ساده و بی آرایش او) و عدالت گستری (در دوران خلافت کوتاه اما پرفروغش) نیز در منابع اهل سنت به کرات ذکر شده است. در تاریخ طبری و ابن اثیر و کتب سیره، نمونه های فراوانی از عدالت علی (ع) نقل شده که در آن هیچ کس، حتی نزدیکان و یارانش، بر دیگری برتری و امتیاز نداشتند.

ب) نگاه غیر مسلمانان به امام علی (ع)



جالب آنکه نه تنها مسلمانان، بلکه بسیاری از اندیشمندان، نویسندگان و مورخان مسیحی نیز با حقیقت جویی و انصاف، شخصیت والای امام علی (ع) را ستوده اند و در آثار خود به فضایل ایشان اذعان کرده اند. این تأییدیه از سوی پیروان آیین

۳. میخائیل نعیمه (Mikhail Naimy) نویسنده و شاعر

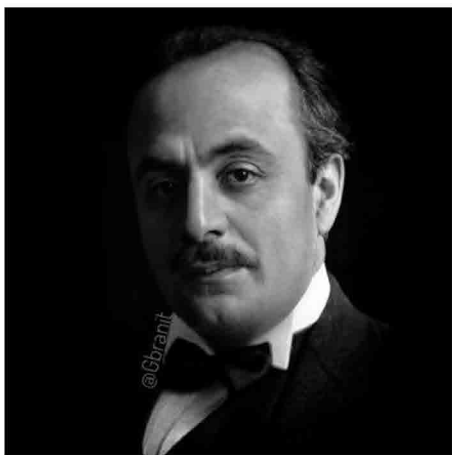
مسیحی لبنانی

میخائیل نعیمه (۱۸۸۹-۱۹۸۸م)، نویسنده و شاعر بزرگ مسیحی لبنانی می‌نویسد:

«علیُّ مع الحقِّ والحقُّ مع علیُّ؛ لا یحتاجُ إلی تبریر لشیءٍ من أقواله وأعماله، لأنَّها كانت دائماً تجسیداً حیاً لِلإنسانیَّةِ النبیلَّةِ والعدالةِ الإلهیَّةِ»

«علی با حق است و حق با علی است؛ نیازی به توجیه هیچ‌یک از گفتارها و کردارهایش ندارد، زیرا او همواره تجسمی زنده از انسانیت شریف و عدالت الهی بوده است.»

۴. جبران خلیل جبران نویسنده و شاعر مسیحی لبنانی



جبران خلیل جبران (۱۸۸۳-۱۹۳۱م)، شاعر و نویسنده مشهور مسیحی جهان عرب، در آثار خود بارها به والایی شخصیت و اندیشه امام علی(ع) اشاره کرده است. او علی(ع) را «صوت العدالة الإنسانية» (صدای عدالت انسانی) خواند و معتقد بود که علی(ع) «أول عربی بعد رسول الله عرف الذات الأحدثیة» (اولین عرب پس از رسول خدا بود که ذات یگانه خداوند را شناخت).

۵. آثار دیگر نویسندگان مسیحی

فهرست نویسندگان مسیحی‌ای که درباره امام علی(ع) قلم زده‌اند، بسیار بلند است. از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

سلیمان کتانی: نویسنده مسیحی لبنانی که کتابی مفصل در دفاع از امامت و فضایل علی بن ابی‌طالب(ع) نوشته است.

بولس سلامه: شاعر مسیحی لبنانی که ملحمه معروف «ملحمه الغدیر» را در واقعه غدیر خم سروده است. او می‌گوید: «یذکره النصاری فی مجالسهم، فیتمیلون بحکمهِ ویخشعون لتقواه» (مسیحیان او را در مجالس خود یاد می‌کنند

مسیحیت، نشان‌دهنده فرامذهبی و جهانی بودن پیام عدالت و انسانیت علی بن ابی‌طالب(ع) است.

۱. توماس کارلایل مورخ و فیلسوف اسکاتلندی

توماس کارلایل (۱۷۹۵-۱۸۸۱م)، نویسنده و فیلسوف بزرگ مسیحی اسکاتلندی، در کتاب مشهور خود «On Heroes, Hero-Worship and the Heroic in History» (درباره قهرمانان، قهرمان‌پرستی و قهرمانی در تاریخ) با زبانی سرشار از تحسین درباره امام علی(ع) می‌نویسد:

«اما این علی جوان، آدمی نمی‌تواند جز این که او را دوست بدارد کاری کند. موجودی بزرگ‌منش، چنان که خود را نشان داده، هم اکنون، همیشه و پس از این؛ سرشار از محبت و دلاوری آتشین؛ چیزی جوانمردانه در او هست؛ شجاع همچون شیر؛ اما در عین حال با لطف، راستی و عطوفتی شایسته جوانمردی.»

۲. جورج جرداق نویسنده و فیلسوف مسیحی لبنانی

جورج جرداق (۱۹۳۱-۲۰۱۴م)، اندیشمند مسیحی اهل لبنان، بی‌گمان مشهورترین نویسنده مسیحی در حوزه امام‌شناسی است. او چهل سال از عمر خود را به تحقیق درباره شخصیت امام علی(ع) و مطالعه نهج‌البلاغه اختصاص داد و حاصل آن کتاب ماندگار «الإمام علی صوت العدالة الإنسانية» است. او در دیباچه کتاب خود می‌نویسد:

«ما عَلِمْتُ فی تاریخ البشريَّةِ علماً وَزَع علی الحُكَّام كما وَزَع «علی». لقد كان رُوحی لِثَرابِ قَبْرِهِ الفِداءِ أَقرأ فی کُتُبِ الباقیَّةِ، أَنَّهُم كانوا یَعرفونَ اللهَ ولا یُریدونَهُ، ویذکرونَ النَّاسَ ویَنسَوْنَ اللهَ. ولم أکن لأَعرفَ اللهَ، لَولا أَنَّهُ عَرَفَنی به «علی». ولم أَکن لأَعرفَ الإسلامَ، لَولا أَنَّهُ صَوَّأَ لی طَریقَهُ «علی»»

«در تاریخ بشریت ندانسته‌ام دانشی و بینشی که بر حاکمان فرمانروا باشد مانند آنچه علی(ع) داشت. جانم فدای خاک قبرش ... من در کتاب‌های بازمانده می‌خواندم که آنان خدا را می‌شناختند اما او را نمی‌خواستند و مردم را یاد می‌کردند و خدا را فرومی‌نهادند. و من خدا را هرگز نمی‌شناختم اگر علی(ع) او را به من نشانسانده بود. و اسلام را نمی‌شناختم اگر علی(ع) راه آن را بر من روشن نکرده بود.»

و به حکمت‌هایش اقتدا می‌کنند و در برابر تقوایش خضوع می‌نمایند.)

همچنین برخی از تاریخ‌نگاران غربی نقل کرده‌اند که پس از شهادت امام علی(ع)، «تمام مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان کوفه، به ویژه زنان و کودکانی که علی(ع) شخصاً سرپرستی آنها را بر عهده داشت، بر مرگ او گریستند چنان که کسی بر مرگ پدرش می‌گرید؛ حتی در بیت‌المقدس نیز عزاداری برپا شد و اسقف بزرگ نیز نتوانست اشک‌های خود را حبس کند.»

ابعاد و پیامدهای راهبردی نخستین هیئت اعزامی رهبری به سیستان و بلوچستان



خبر اعزام هیئت ویژه از سوی مقام معظم رهبری به استان سیستان و بلوچستان پس از حوادث و ایستادگی‌های دوران «جنگ رمضان»، حاوی پیام‌های مهم و چندوجهی است. با توجه به جزئیات این اقدام، می‌توان این رویداد را از شش بعد راهبردی مورد تحلیل و واکاوی قرار داد:

- اولویت‌بخشی به استان‌های تلفیقی: انتخاب سیستان و بلوچستان به عنوان نخستین مقصد هیئت اعزامی رهبری جدید، رویکردی هدفمند است. این انتخاب نشان می‌دهد که استان‌های تلفیقی (با تنوع قومی و مذهبی) نه تنها در حاشیه قرار ندارند، بلکه در صدر توجهات راهبردی نظام تعریف شده‌اند.

- کانون توجه و نیاز به توسعه: این اقدام ثابت می‌کند که سیستان و بلوچستان نقطه‌ای کلیدی در جغرافیای سیاسی کشور است. استانی که به دلیل محرومیت‌های تاریخی نیاز به توجه مضاعف دارد، اکنون بالاترین سطح از عنایت و پیگیری را از سوی رهبری دریافت می‌کند که می‌تواند مقدمه‌ای برای تسریع در روند توسعه آن باشد.

- تجلی وحدت ملی و شکست پروژه تجزیه‌طلبان: حضور حماسی و ایستادگی دو قوم اصیل «سیستانی» و «بلوچ» در کنار یکدیگر برای دفاع از انقلاب و میهن اسلامی در جریان جنگ رمضان، خط بطلانی بر توطئه‌ها بود. این انسجام ملی و عرق به وطن، عملاً ماشین جنگ روانی رسانه‌های بیگانه و جریان‌های تجزیه‌طلب را ناامید و خنثی کرد.

- جوان‌گرایی و اعتماد به نسل جدید: ترکیب هیئت اعزامی و واگذاری ریاست آن به یک نیروی جوان و جهادی (حجت‌الاسلام محمد تقی وکیل‌پور)، حامل یک پیام روشن مدیریتی است. این مسئله نشان‌دهنده اعتماد عالی‌ترین سطح نظام به نسل جوان و جهادی برای انجام مأموریت‌های حساس و میدان‌داری در عرصه‌های مهم اجتماعی و فرهنگی است.

- اهتمام ویژه به اهل سنت و تقریب مذاهب: برنامه‌ریزی هدفمند برای دیدار با طوایف، علما و اقشار مختلف اهل سنت، نشان از احترام، توجه و نگاه برابر به مذاهب اسلامی دارد. این رویکرد عملی، پیوندهای عاطفی و سیاسی میان مرکز و مناطق مرزی را عمیق‌تر کرده و الگویی از همزیستی و وحدت اسلامی را به نمایش می‌گذارد.

- تأیید کارآمدی مدیریت استانی در مهار بحران: این سفر همچنین قدردانی از نقش‌آفرینی آیت‌الله محامی (نماینده ولی‌فقیه) و مجموعه مسئولان استانی است. حفظ آرامش، ثبات و انسجام در استانی که همواره سیل توطئه و آشوب‌سازی بیگانگان و جریان‌های معارض بوده، نشان‌دهنده درایت، مدیریت هوشمندانه و حرکت دقیق تیم مدیریتی استان در مسیر منویات رهبری است.

مجموع این رویکردها نشان می‌دهد که مسیر آغاز شده توسط امام سید مجتبی خامنه‌ای، گام برداشتن دقیق در همان امتداد مکتب و سیره امام شهید امت اسلامی است. توجه توأمان به اقوام، مذاهب، جوانان و مناطق محروم، نشان‌دهنده پویایی و ثبات قدم نظام در مسیر تقویت همبستگی ملی و حرکت پرشتاب به سوی پایه‌ریزی «تمدن نوین اسلامی» است.

تحلیلی بر تجاوز اخیر اسرائیل به لبنان

در آغاز هفته دوم خرداد، منطقه غرب آسیا شاهد یک چرخش سریع و پُرفشار دیپلماتیک بود. در یک بازه زمانی کمتر از ۲۴ ساعت، اسرائیل با ادعای پیشروی تا بیروت، ایران با اعلام پشتیبانی همه‌جانبه از حزب‌الله و هشدار مستقیم به ساکنان فلسطین اشغالی، و ایالات متحده با ورود مستقیم دونالد ترامپ، از «اصرار» حمله اسرائیل به بیروت تا «توافق آتش‌بس» فوری را رقم زدند. این یادداشت به تحلیل دقیق ابعاد نظامی، حقوقی و دیپلماتیک این تحولات می‌پردازد.

۱. پیش‌زمینه: آتش‌بس شکننده ۸ آوریل

جنگ گسترده ۹ اسفند ۱۴۰۴ میان ایالات متحده و اسرائیل از یک سو و ایران از سوی دیگر، هزاران کشته بر جای گذاشت و تنگه هرمز را عملاً به روی ترانزیت جهانی بست. در ۸ آوریل ۲۰۲۶، ایران و آمریکا پس از میانجی‌گری پاکستان بر سر آتش‌بس در تمام جبهه‌ها به توافق رسیدند. این آتش‌بس نه فقط محدود به حملات مستقیم، بلکه شامل لبنان و دیگر محورهای مقاومت نیز می‌شد.



با این وجود، اسرائیل از اواسط آوریل تا روزهای پایانی اردیبهشت حملاتی مستمر به جنوب لبنان و حومه بیروت انجام داد. تداوم این حملات، و ناتوانی سازوکارهای نظارتی در توقف کامل آنها، بستر بحران روز یکشنبه اول ژوئن را فراهم کرد. تشدید حملات در جنوب لبنان و پیشروی‌های نیروهای اسرائیلی در عمق خاک لبنان، این سوال را ایجاد کرده بود که آیا آتش‌بس فرامنطقه‌ای میان تهران و واشنگتن به طور کامل از سوی متحدان آمریکا نادیده گرفته می‌شود. در این میان، بسته شدن تنگه هرمز و تداوم قیمت‌های نجومی نفت (نزدیک به ۱۰۰ دلار)، فشار داخلی بر دولت ترامپ را به حداکثر رسانده است، به ویژه در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره.

۲. بحران: تهدید اسرائیل و پاسخ ایران

در حالی که مذاکرات غیرمستقیم بین ایران و آمریکا به تازگی وارد فاز حساس «پاسخ به پیش‌نویس یادداشت تفاهم» شده بود، شبکه ۱۲ رژیم صهیونیستی و یک مقام اسرائیلی به آکسیوس فاش کردند که بنیامین نتانیاها، نخست‌وزیر اسرائیل، قصد داشت در عملیاتی غافلگیرانه، حومه جنوبی بیروت را هدف بمباران سنگین قرار دهد. توجیه رسمی ارتش اسرائیل، حملات موشکی و پهپادی حزب‌الله به شهرهای شمال فلسطین اشغالی و نقض آتش‌بس عنوان شده بود.

بر اساس طرحی که رسانه‌ها از آن پرده برداشتند، رژیم اسرائیل قصد داشت تا مرکز بیروت پیشروی کند؛ ادعایی که واکنش‌های گسترده‌ای در لبنان و منطقه برانگیخت. موضع رسمی دولت لبنان در کنار هشدارهای سریع سفارت‌های خارجی برای اتباعشان، نشان از جدی بودن ارزیابی از حمله قریب‌الوقوع داشت. ارتش اسرائیل در ادامه دستور تخلیه چندین محله در ضاحیه جنوبی بیروت را صادر و مدعی شد که قصد دارد به «زیرساخت‌های فرماندهی و مراکز تجمع حزب‌الله» حمله کند.

در پی این تهدید و تخلیه مناطق، واکنش فرماندهی نظامی ایران فراتر از بیانه‌های معمول دیپلماتیک بود و شوک سنگینی به تل آویو وارد کرد:

۱. ابراز همبستگی و هماهنگی نظامی:

مسئولان ایرانی از جمله سرتیپ شکارچی ضمن محکومیت شدید تجاوزات رژیم صهیونیستی، تأکید کردند: «ادامه جنایات وحشیانه در لبنان چیزی نیست که نیروهای مسلح ایران بتوانند آن را تحمل کنند.» همچنین اعلام شد که در صورت عدم توقف تجاوزات اسرائیل به بیرون و لبنان، تمامی جبهه‌های مقاومت از جمله جبهه یمن (باب المندب) و سایر محورها فعال خواهند شد. این هشدار به معنای گسترش جنگ به کل منطقه و تهدید ترانزیت انرژی جهانی بود.

۲. خط قرمز در مرزهای شرقی فلسطین اشغالی:

فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا، در اقدامی کم‌سابقه و صریح، با صدور بیانیه‌ای خطاب به ساکنان شمال فلسطین اشغالی گفت: «به ساکنان شمال سرزمین‌های اشغالی و ساکنان شهرک‌های صهیونیست‌نشین در نزدیکی مناطق نظامی هشدار می‌دهیم، اگر نمی‌خواهید آسیب ببینید، فوراً آن مناطق را ترک کنید.» اقدام مشابهی نیز از سوی قرارگاه خاتم الانبیا در ویدئویی به تصویر کشیده شد که جو سنگینی از احتمال حمله موشکی قریب الوقوع را در رسانه‌های رژیم ایجاد کرد.



بسیار سازنده‌ای داشتم. هیچ نیرویی به بیروت نخواهد رفت و هر نیرویی که در راه است، بازگردانده شده است.»

پست دوم: «به طور مشابه، از طریق نمایندگان عالی‌رتبه، با حزب‌الله تماس بسیار خوبی گرفتیم و آنها موافقت کردند که همه تیراندازی‌ها متوقف شود... اسرائیل به آنها حمله نخواهد کرد و آنها هم به اسرائیل حمله نخواهند کرد. مذاکرات با جمهوری اسلامی ایران نیز با سرعت ادامه دارد.»

این چرخش سریع، نشانه مهمی از نیاز مبرم کاخ سفید به مهار بحران لبنان پیش از آن بود که در آستانه انتخابات میان دوره‌ای، بازار انرژی و افکار عمومی علیه دولت ترامپ شود. تحلیلگران، این مداخله را در راستای «اولویت مطلق توافق با ایران» تفسیر کردند؛ پیش از آنکه جنگ فرسایشی در لبنان، بستر گفت‌وگو را به کلی تخریب کند. در واقع، اقدامات ایران در روز یکشنبه اثبات کرد که می‌تواند در کمتر از ۲۴ ساعت، دروازه‌های گفت‌وگو با غرب را ببندد و در مقابل، اسرائیل برای مهار ایران، منافع میدانی خود در لبنان را فدای هشدار ایران کرد.

هزینه‌های سازش با اسرائیل؛ درس‌هایی از سوریه تحت حکومت جولانی



پس از تحولات سال‌های اخیر در سوریه و روی کار آمدن «احمد الشرع» ملقب به «ابومحمد جولانی» در قامت حاکم جدید سوریه، بسیاری از ساده لوحان گمان می‌کردند که شاید این جریان بتواند جایگزینی «اسلامگرا» اما مستقل از محور آمریکا و اسرائیل باشد. با این حال، تحولات میدانی و گزارش‌های مستند تصویر کاملاً متفاوتی را نشان می‌دهد: سوریه امروز به الگویی از کشوری تبدیل شده که با پذیرش مدارا با اسرائیل و اعتماد به آمریکا، عملاً حاکمیت، امنیت، اقتصاد و کرامت ملی خود را قربانی کرده است. در این یادداشت، هزینه‌های ملموس «سازش با اسرائیل» و آسیب‌های ساختاری حکومت جولانی را بررسی می‌کنیم.

هم‌زمان با این هشدارها، خبرگزاری تسنیم اعلام کرد تهران مذاکرات غیرمستقیم خود با واشنگتن (از طریق میانجی پاکستان) را به حالت تعلیق درآورده است. «محمدباقر قالیباف»، رئیس مجلس و مذاکره‌کننده ارشد ایران، صراحتاً اعلام کرد که هرگونه حمله به بیروت به مثابه نقض آتش بس در همه جبهه‌ها بوده و پیامدهایش متوجه آمریکا و اسرائیل است. «عباس عراقچی» نیز دوباره بر این موضع حقوقی تأکید کرد که «نقض در یک جبهه، نقض آتش بس در تمام جبهه‌ها است».

این پاسخ جامع ایران که برگرفته از «سیاست راهبردی بازدارندگی همه‌جانبه» است، تصویری بی‌سابقه از این راهبرد را به رخ همگان کشید: در حالی که ایران صحنه سیاسی را با تعلیق مذاکرات رها کرد، در صحنه نظامی با هشدار انکارناپذیر حمله به شمال فلسطین اشغالی، کفه ضربه اول را به سود خود سنگین کرد و توازن قوا را به هم ریخت.

۴. مداخله فوری ترامپ:

در شرایطی که به نظر می‌رسید افق منطقه در آستانه شعله‌ور شدن کامل است، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، ظرف چند ساعت دست به دامان نتانیاهو شد. به گزارش آکسیوس و تأیید رسانه‌های اسرائیلی، ترامپ با مداخله مستقیم، طرح مورد نظر نتانیاهو برای بمباران اهدافی در بیروت را «متوقف» کرد. منبع آگاه اسرائیلی به آکسیوس تأکید کرد: «حملات برنامه‌ریزی شده به بیروت انجام نخواهد شد.» همچنین کانال ۱۲ اسرائیل گزارش داد که گفت‌وگوی تلفنی نتانیاهو و ترامپ، تصمیم حمله به ضاحیه جنوبی را به تعویق انداخته است. ترامپ به دنبال این مداخله، در شبکه اجتماعی خود «تروث سوشال» دو پست مهم منتشر کرد:

پست اول: «با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل تماس

۱. هزینه امنیتی: حضور نظامی آشکار اسرائیل در خاک سوریه

یکی از تلخ‌ترین واقعیت‌های سوریه پساجولانی، عادی‌سازی حضور نظامی رژیم صهیونیستی در مناطق مختلف این کشور است. اخبار چند روز گذشته سوریه گزارش می‌دهد:

«نیروهای اشغالگر اسرائیلی با بیش از ۸ بمب انفجاری، اطراف تل الاحمر الشرقي در حومه قنيطرة را هدف قرار دادند.» علاوه بر حملات، اسرائیل گام‌های عملی برای توسعه شهرک سازی در خاک سوریه برداشته است:

«سازمان پخش اسرائیل اعلام کرد: شماری از شهرک‌نشین‌های اسرائیلی وابسته به جنبش "زواد الباشان" خود را در نزدیکی حصار مرزی با سوریه زنجیر کرده‌اند و خواستار اجازه برای شهرک‌سازی در این منطقه شده‌اند.»

این اقدامات آشکار تجاوز، در حالی رخ می‌دهد که دولت جولانی نه تنها واکنش نظامی نشان نمی‌دهد، بلکه با رفتاری دوپهلو عملاً بستر را برای نفوذ بیشتر اسرائیل فراهم می‌کند.

«از روند کلی برخورد با نفوذ گسترده اسرائیل در سوریه چنین برمی‌آید که راهبرد اصلی جولانی نه مقابله با اسرائیل، بلکه حرکت به سمت سازش و در اختیار قرار دادن ظرفیت‌های سوریه در راستای پروژه «اسرائیل بزرگ» است.» شاهد آشکار این سازش، رفتار دولت جولانی در ماجرای «سویدا» است:

«جایی که عشایر مخالف حملات اسرائیل و دروز، هدف حمله و قتل از طرف نیروهای سوری قرار گرفتند.» یعنی هر کس در سوریه با اسرائیل مقابله کند، از سوی حکومت جولانی سرکوب می‌شود.

۲. هزینه سیاسی: تبدیل شدن به ابزار پروژه‌های آمریکایی

خبرها به صراحت ماهیت حکومت جولانی را در چارچوب پروژه‌های آمریکایی ارزیابی می‌کند و آن را در یک ردیف با داعش (با تفاوت در تاکتیک) قرار می‌دهد:

«در این تحلیل، داعش و جریان حاکم بر سوریه هر دو به نوعی در چارچوب پروژه‌های آمریکایی ارزیابی می‌شوند؛ با این تفاوت که یکی در قالب سکولاریسم و دیگری در قالب تکفیر عمل می‌کند.»

یعنی آنچه امروز در سوریه حاکم است، نه یک جریان اسلامی مستقل، بلکه بازوی اجرایی سیاست‌های آمریکا و اسرائیل در منطقه است. این واقعیت، هرگونه ادعای «اسلام‌گرایی معتدل» را نقض می‌کند. نتیجه چنین وابستگی‌ای روشن است:

«دولتی که برای جلوگیری از حملات اسرائیل، چشم انتظار سیاست‌های آمریکا باشد، باید منتظر شکل‌گیری ساختارهای ضعیف، فساد اداری، بحران اقتصادی و تحقیر ملت خود بماند.»

۳. هزینه اقتصادی اجتماعی: فروپاشی معیشت و اعتراضات مردمی



یکی از آسیب‌های عینی حکومت جولانی بحران شدید معیشتی است. دولت جدید سوریه نتوانسته است حتی بازار گندم را مدیریت کند:

«کاربری نوشت: تا کی مردم باید ساکت بمانند؟ کشاورزان روستاهای حمه به کشاورزان رقه و دیرالزور پیوستند و تجمع اعتراضی برگزار کردند تا خواستار افزایش قیمت خرید گندم و انصاف در حق کشاورزان شوند.»

شدت بحران به جایی رسیده که یک کشاورز سوری، محصول گندم خود را با بولدوزر نابود می‌کند:

«در اعتراض به نرخی که وزارت اقتصاد برای خرید گندم از کشاورزان تعیین کرده است، یکی از کشاورزان محصول خود را با بولدوزر تخریب و نابود کرد.»

این صحنه‌ها، نماد یأس و ناامیدی مردمی است که پیش‌تر در جنگ با داعش و نیروهای خارجی، هزینه سنگینی پرداخت کرده بودند. امروز آن‌ها می‌بینند که حکومت جدید نه تنها قادر به تأمین نیازهای اولیه آن‌ها نیست، بلکه با سیاست‌های اقتصادی وابسته به غرب، فشار را چند برابر کرده است.

۴. هزینه راهبردی: بازتولید تروریسم و سوءاستفاده داعش

یکی از پیامدهای خفته و مخفی اما قابل پیش‌بینی سازش با اسرائیل، باز شدن فضا برای گروه‌های تندروتر مانند داعش است. خبرها به وضوح نشان می‌دهد که چگونه داعش از نارضایتی نیروهای سابق (مانند جنگجویان ازبک) علیه حکومت جولانی بهره‌برداری می‌کند:

«داعش در سرمقاله نشریه هفتگی "البناء" با محور قرار دادن اقدامات حکومت سوریه علیه جنگجویان خارجی ازبک در شام، این جنگجویان را به پیوستن به دولت اسلامی فراخوانده و نوشته است: جولانی (احمد الشرع) دیر یا زود راه حل قطعی‌ای برای آنها پیدا خواهد کرد، زیرا حضور آنها دیگر برای جامعه جهانی غیرقابل قبول است و حکومت ملی‌گرای جولانی می‌خواهد از شر آنها خلاص شود.»

نکته مهم این است که داعش که روزی دشمن شماره یک جولانی بود، امروز از شکاف میان او و نیروهای جهادی سابقش سود می‌برد. این یعنی سازش با اسرائیل و آمریکا نه تنها امنیت نمی‌آورد، بلکه زنجیره‌ای از خشونت‌های افراطی‌تر را بازتولید می‌کند.

۵. درس‌هایی برای منطقه

امروزه ماجرای سوریه درس عبرتی است برای کسانی که چشم به آمریکا امید دارند و این‌گونه تصور می‌کنند که سازش با آمریکا می‌تواند باعث حل مشکلات شود و این ایده را به جامعه ایران می‌فروشند. در حالی که واقعیت‌های منطقه خلاف این ادعا را ارائه کرده است.

سوریه تحت حکومت جولانی، به وضوح نشان داده است که سازش با اسرائیل نه تنها درهای بهشت را نمی‌گشاید، بلکه کشور را به کام وابستگی، تحقیر و فروپاشی می‌کشانند. حضور نظامی اسرائیل در قنیطره، شهرک‌سازی در حریم مرزی، سرکوب مخالفان اسرائیل توسط دولت سوریه، بحران معیشتی و گرسنگی کشاورزان، و بازگشت داعش به عنوان یک گزینه تروریستی، همگی فهرست بلندبالایی از هزینه‌های این راهبرد اشتباه هستند.

برای ملت ایران و تمام آزادیخواهان منطقه، پیام روشن است: تنها راه حفظ عزت، امنیت و استقلال، ایستادگی بر اصول مقاومت و عدم پذیرش هرگونه سلطه خارجی چه آمریکا و چه اسرائیل است. سوریه امروز یک قربانی دیگر از قربانیان سیاست «اعتدال به سبک غرب» است؛ عبرتی که نباید فراموش شود.

نتیجه

مجموعه متون پیش‌رو، روایتی منسجم و راهبردی از هویت، اهداف و مسیر تداوم انقلاب اسلامی را ترسیم می‌کند. این روایت بر محورهای زیر استوار است:

اول: عزت و اقتدار ملی در برابر استکبار. جنگ تحمیلی رمضان (اسفند ۱۴۰۴) نقطه عطفی در تاریخ انقلاب تلقی می‌شود که در آن، ملت ایران با ایستادگی مثال‌زدنی، نه تنها تجاوز آمریکا و اسرائیل را ناکام گذاشت، بلکه سرآغاز فصل نوینی از قدرت‌گیری و برافراشته شدن پرچم جمهوری اسلامی در سطح جهانی گردید. این حماسه، بار دیگر نشان داد که «مقاومت» تنها راه بازدارندگی و حفظ عزت ملی است.

دوم: تداوم مکتب امام خمینی (ره) در اندیشه امام خامنه‌ای (ره). در این اندیشه، امام خمینی نه فقط به‌عنوان بنیان‌گذار نظام، بلکه به‌عنوان معمار «تمدن نوین اسلامی» معرفی می‌شود. هشت شاخصه تمدنی ایشان (توحید، حکمت، عدالت، استقلال و آزادی، مردم‌باوری، جهاد و شهادت، اخلاق، عزت و استکبارستیزی) به‌عنوان نقشه راهی که توسط رهبر شهید، حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای تبیین و تکمیل شد، معرفی می‌گردد. بیعت گسترده علمای اهل سنت با رهبر جدید، حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای، مؤید استمرار این مسیر با همان اصول است.

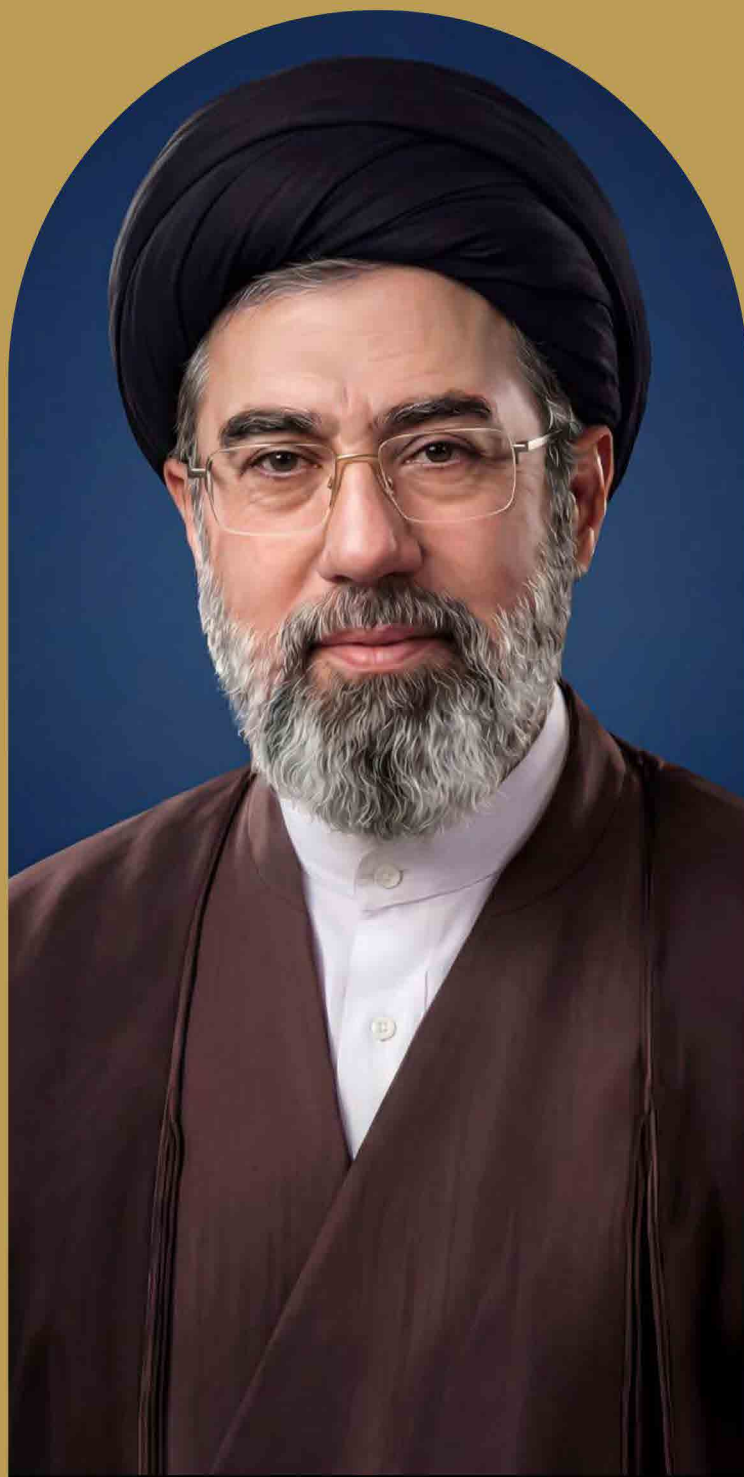
سوم: وحدت ملی و تقریب مذاهب به‌مثابه سرمایه راهبردی. حضور حماسی اقوام مختلف (سیستانی، بلوچ، کرد، لر و...) در کنار یکدیگر در دفاع از کشور، و نیز مواضع قاطع بسیاری از علمای اهل سنت در محکومیت تجاوز خارجی و اعلام بیعت با رهبری، خط بطلانی بر توطئه‌های تفرقه‌افکنانه و تجزیه طلبانه کشید. اعزام نخستین هیئت عالی‌رتبه رهبری به سیستان و بلوچستان، نماد این نگاه برابر و اهتمام ویژه به مناطق تلفیقی و محروم برای تحکیم وحدت و توسعه است.

چهارم: هزینه‌های فاحش سازش با دشمن. تحلیل وضعیت سوریه تحت حاکمیت جولانی، به‌عنوان یک درس عبرت برای منطقه ارائه می‌شود. سازش با اسرائیل و آمریکا نه تنها امنیت و حاکمیت ملی را سلب کرده، بلکه به اشغال نظامی، فروپاشی اقتصادی، تحقیر ملت و حتی بازتولید تروریسم انجامیده است. در مقابل، الگوی مقاومت و بازدارندگی ایران، به‌ویژه در بحران اخیر لبنان که با مداخله سریع و هشدار قاطع ایران، حملات اسرائیل متوقف شد، کارآمدی این راهبرد را به اثبات رساند.

پنجم: میراث مشترک توحید و عدالت‌گستری. ستایش امام علی (ع) در منابع اهل سنت و نیز تأیید شخصیت ایشان توسط اندیشمندان مسیحی، نشان‌دهنده ظرفیت بالای گفتمان

عدالت و معنویت برای ایجاد همگرایی فرامذهبی و فراقومی است. این نگاه، پایه‌های فکری تمدن نوین اسلامی را مستحکم می‌سازد.

انقلاب اسلامی در مسیر خود، از امام خمینی (ره) تا رهبری شهید و رهبری جدید، بر اصول «استکبارستیزی، وحدت ملی، عزت‌مندی، عدالت‌خواهی و مردم‌باوری» استوار بوده است. جنگ رمضان ثابت کرد که تهدیدات خارجی نه تنها این اصول را تضعیف نمی‌کند، بلکه آنها را شکوفاتر می‌سازد و انسجام داخلی را تقویت می‌نماید. مسیر آینده، تداوم همین راه با تکیه بر نسل جوان، توجه به مناطق محروم و مرزی، و پرهیز قاطع از هرگونه سازش ذلت‌بار با سلطه‌گران است. عبرت سوریه و فشار حداکثری دشمن، تنها اراده ملت ایران برای حفظ استقلال و پیشرفت را راسخ‌تر می‌کند. این، پیام روشن این اندیشه است: «عزت، مقاومت و وحدت، رمز ماندگاری و تعالی ایران اسلامی است.»



مُنَادِیَانِ اَمّت

هفته نامه منادیان امت | شماره سی و یک | خرداد ماه ۱۴۰۵

